



دانشگاه خوارزمی

# حضر

سال اول

شماره اول

بهمن ۹۶

# در درستک

”پرونده ویژه“

• فرید خاموش

• سقط جنین یا اورژشگاه،  
مساله این است؟!

• ماه پری، قصه‌ای که آخرش  
خوش است!

• جنگ چهره زنانه ندارد

• دختران خیابان انقلاب

- فرهنگ
- اجتماعی
- سیاسی
- هنری



# طن

ماهنامه فرهنگی

، اجتماعی ، سیاسی

، هنری طن

شماره اول ، بهمن ۱۳۹۶

صاحب امتیاز ، مدیر مسئول و سردبیر :  
زهرا سالاری

هیئت تحریریه :

زهرا سالاری ، آرمین محمدی اصل  
مهسا مقصودی ، حانیه مهیج  
زهرا محمد خانی ، شهربانو دلاور  
المیرا داد مهر

مترجم : امیر آل علی

ویراستار : حانیه عباسی

طراح جلد و صفحه آرا :

گروه گرافیکی دنیز گراف



ما را در شبکه های اجتماعی  
دنبال کنید :



magazine\_zzan



@magazinezzan



# فهرست مطالب

|   |
|---|
| سخن سردبیر.....صفحه ۱                           |
| منزلت زن از نگاه قرآن.....صفحه ۲                |
| درد مشترک.....صفحه ۳                            |
| مصاحبه.....صفحه ۸                               |
| فریاد خاموش.....صفحه ۹                          |
| دختران خیابان انقلاب.....صفحه ۱۲                |
| سقط جنین یا ورزشگاه، مسئله این است .....صفحه ۱۴ |
| جتگ چهره زنانه ندارد.....صفحه ۱۵                |
| ماه پری، قصه ای که آخرش خوش است.....صفحه ۱۷     |
| زنان در ذهن جین آستین .....صفحه ۱۹              |
| فیلم.....صفحه ۲۰                                |





## سخن سردبیر

تساوی زن و مرد، برابری حقوق، دفاع از حقوق زنان.

این عبارات کلیشه‌ای در همه‌ی برده‌های تاریخی و همه‌ی محافلی که در آنها اندیشه جریان داشته، مورد بحث بوده اند و اختلاف.

طیف‌های فکری متفاوت به اینگونه موضوعات، نگاه‌های مختلفی دارند. اما تا چه اندازه درباره‌ی این مفاهیم روشنگری شده؟!

با ارفاق می‌توان به این سوال پاسخ داد "خیلی کم"!

در این نشریه قصد داریم به اندازه‌ی توانایی و دانشمنان درباره‌ی حقوق و ارزش بانوان صحبت کنیم و در موارد خاص به شفاف سازی پردازیم.

با بازنگری در مفاهیم ذکر شده، به سوال‌های زیادی که شاید برای برخی مطرح باشد پاسخ بدھیم و در نهایت بار سنگین ظن داشتن به کلیشه‌ها را به دوش می‌کشیم تا به جایگاه واقعی زن نزدیک شویم.

در بسیاری از نقاط جهان، انگشت اتهام مردان همیشه زنی را پیدا می‌کند. و ما به زنانی نیاز داریم تا مشکلاتی که مردان به وجود می‌آورند را حل کنند. امید است که بتوانیم با یافتن جایگاه واقعی زن، از بسیاری از کج فهمی‌ها که در طول تاریخ تا کنون ایجاد شده نجات یابیم.

# منزلت زن از نگاه قرآن



زهراء محمدخانی  
دانشگاه خوارزمی

«ان المسلمين و ان المسلمات، و المؤمنين و المؤمنات، و القانتين و القانتات، والصادقين و الصادقات، و الصائمين و الصائمات، و الحافظين فروجهم والحافظات و...»

قسم سوم خطاب‌هایی است که متوجه جنس خاصی می‌باشد در این قسم هم خطاب به مرد و هم خطاب به زن وجود دارد.

«يا عيسى» (آل عمران، ۵۵)  
«يا مريم» (آل عمران ۴۵)

در نتیجه همان طور که در ابتدای مطلب گفته شد اسلام در درجه اول به انسانیت انسان‌ها می‌نگرد و در درجه دوم به جنسیت آن‌ها. در همین بخش، نگاهش به زن فوق العاده متعالی و کرامت‌بخش است که در هر شماره به بررسی برخی از نظرها در اسلام و سایر ادیان در این باره می‌پردازیم.



با نگاهی به جایگاه زن در قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان و مقایسه آن با کتاب آسمانی پیشین و فرهنگ‌ها و اقوام و ملل دیگر درمی‌یابیم خداوند در عصری که بشر، کمترین ارزشی برای موجود مونث قائل نبود جایگاه ویژه‌ای را در کتاب آسمانی به این موجود بخشیده است و حقوق و تکالیفی را برای آن قائل شده است که توجه به منافع زن دارد.

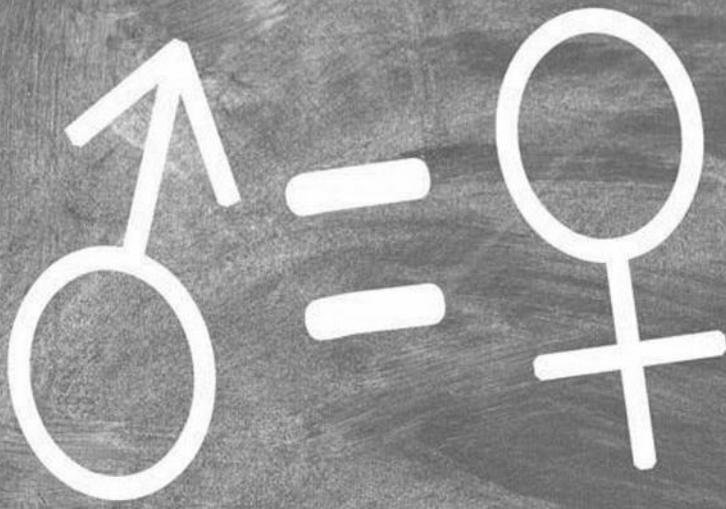
قرآن کریم با بیان آیات و خطاب‌های مساوی هیچ تمایزی را برای جنس مذکور قائل نیست، نگاه ارزشمندانه نسبت به زن در سرتاسر قرآن نمایان است؛ به گونه‌ای که هرجا از مردان مومن و صالح سخن به میان می‌آورد، زنان مومنه و صالحه را در کنار آن‌ها مطرح کرده است. عمدۀ خطاب‌های قرآن کریم توجهی به جنسیت ندارد و ملک را ایمان و تقوّا و هویت انسانی قرار داده است:

«يا آيهـا الذـين آمـنـوا» «يا آيـهـا النـاسـ» «يا أولـي الـالـباب» «يا اـهـلـ كتابـ»

این آیات بیانگر این است که جنسیت نزد خداوند متعال موضوعیت ندارد. آنچه مورد توجه خاص ذات باری تعالی است تقوای الهی است.

«انا اكرمـكـم عنـدـ الله اـتقـاـكـم انـ الله عـلـيـمـ خـبـيرـ»  
(حجرات، آیه ۱۳)

و یا اگر قرار است جنسی را مورد خطاب قرار دهد هر دو جنس را مورد خطاب قرار می‌دهد.



# درد مشترک

که باشد در خانواده، در جامعه و ...

در مطلب پیش رو مشخصا به آزار جنسی می بردازیم که در هر سه نوع از تعاریف ارائه شده از سوی سازمان ملل وجود دارد.

آزار جنسی یا sexual harassment :

محدوده وسیعی از رفتارها، از مزاحمت‌های خیابانی تا سوءاستفاده جنسی و تجاوز جنسی را دربرمی‌گیرد. آزار جنسی عملی است با ماهیت جنسی که در آن فرد یا افرادی با تعرض به شخصیت یک فرد، از طریق ارعاب، بهره‌گیری ناخواسته یا اجبار، خواستار دریافت التفات جنسی یا تحقیر جنسیتی با توصل به آزار کلامی می‌شوند. در قوانین قضایی اکثربت مطلق کشورهای جهان، آزار جنسی عملی «غیر قانونی» و « مجرمانه» شناخته می‌شود.

نشریه ظن طی یک نظر سنجی از مخاطبان خود خواست تجارب آزار جنسی تحمیل شده به خود را با ما در میان بگذارند. به منظور پنهان ماندن هویت افراد و آرامش خاطر مخاطبین، این نظر سنجی توسط پیام‌های ناشناس صورت گرفت. نکته قابل توجه خودداری جنس مذکور از

مهسا مقصودی  
دانشگاه خوارزمی



تعريف خشونت علیه زنان در اسناد سازمان ملل:

قطعنامه‌ی حذف خشونت علیه زنان، تصویب شده

در سال ۱۹۹۹، خشونت را این گونه توضیح می‌دهد:

خشونت علیه زنان، بی آن که به موارد زیر

محدود شود، شامل اشکال زیر است:

(الف) خشونت جسمی، جنسی و روانی در خانواده، از جمله ضربه‌ها، رفتارهای خشن جنسی نسبت به دختران خردسال، خشونتها مرتبه با جهیزیه، ختنه کردن، تجاوز شوهر و دیگر سنت های زیان‌بخش رایج، مثل خشونت خارج از روابط همسری، خشونت در رابطه با بهره‌گشی.

(ب) خشونت جسمی، جنسی و روانی در جامعه، از جمله تجاوز، رفتارهای خشن جنسی، واداشتن به فحشاء، اذیت و آزار جنسی و ارعاب در محیط کار،

در مؤسسات آموزشی و غیر آن.

(ج) خشونت جسمی، جنسی و روانی که توسط دولت صورت می‌گیرد یا از جانب آن، در هر کجا

اشتراك تجارب آزار جنسی خود با اين نشريه حتى به صورت کاملاً ناشناس بود. بر طبق آمار در بيش از ۹۵٪ موارد، آزار جنسی از سوی مردان اعمال شده و قربانیان زن هستند؛ اگر مردی مورد آزار جنسی قرار بگیرد، آزارنده تقريباً همشه مرد دیگری است؛ اعمال آزار جنسی از سوی زنان بر مردان بر طبق آمار نادر است. در مطالب بعدی به تفصيل به موضوع مردان می پردازيم و در اين شماره موضوع مورد بحث ما بيشتر متوجه زنان است. در ادامه نگاهي به تجربياتي که برای مان ارسال شده خواهيم داشت.

**موردماره يك:**

حدود ۵ يا ۶ ساله بود، پسر عموم مدام می خواست منو بغل که. يه بار که منو داداشم که اون موقع ۷ سالش بود خونه تنها بوديم، اونم همونجا بود؛ منو برد تو اتاق و سعی در اذیت و در آغوش گرفتن من داشت که من متوجه شدم طبیعی نیست و سریع فرار کردم پیش داداشم.

**موردماره دو:**

سلام بچهها، من وقتی بچه بودم تقريباً هفت هشت ساله بود يك شب که توی خونه تنها بودم، او مد کنارم خوابید. من فکر می کردم عمومه کاريمن نداره، اما بغلم کرد و منو مجبور به لمس عضو جنسیش کرد و من ترسیدم و از ترس نمی تونستم کاري انعام بدم و بعدم با خاطر اينکه می ترسیدم کسی باور نکنه و من مقصر باشم به هيچکس نگفتم.

**اطلاعاتي که پدر و مادر در اختيار فرزندان می گذارند باید شامل دانسته هايي درباره روابط انساني، هويت جنسی، رعایت مسائل بهداشتی، مهارت هاي زندگی، ارزش و اخلاقیات انسانی، بيان احساسات و نیازها، تصمیم گيري های مسئولانه و حفظ و افرايش عزت نفس و اعتماد به**

آسيبهای روحی و روانی نیز می باشد.

با وارسی موارد ذکر شده به این نتیجه می رسیم که تربیت جنسی کودکان از مسائل پر اهمیت، تاثیرگذار، ضروری و حساس در حیطه فرزندپروری است. درصورتی که آموزش های والدین ناشیانه و در زمان نامناسب باشد، می تواند موجب ایجاد اضطراب شود و به بهداشت روانی خانواده ضربه وارد کند و از سوی دیگر اگر دیرتر از موعد، غیرواقعي و ناکافی باشد، تاثیر مثبت ندارد و مفید واقع نمی شود. اگر والدین بتوانند به سوالات و کنچکاوی های جنسی فرزندانشان پاسخ های مناسب و سنجیده بدهنند، می توانند از انحرافات فکري، سرکوب جنسی و مخفی کاري آنان جلوگيری کنند؛ همین طور موجب ایجاد فضای صميمی مناسب می شود که فرزندان در مواجهه با آزار جنسی راحت و بدون ترس و خجالت، موضوع را با والدین خود مطرح کنند.

به منظور خلاصه گويي از درج موارد مشابه دیگر که متعدد به دست ما رسیده صرف نظر می کنيم.

نکات قابل توجه در اين بخش که مربوط به موارد فوق است:

۱- در سنين کودکی برای قربانیان اتفاق افتاده است.

آنان باشد.

برخی از والدین به خاطر اعتقادات و بینش‌های خود، صحبت کردن درباره مسائل و آموزه‌های جنسی را صحیح نمی‌دانند، زیرا اعتقادشان بر این است که ارائه‌ی این اطلاعات باعث بیدار شدن غریزه‌ی جنسی فرزندانشان می‌شود. در صورتی که لازم است بدانند هرچه اطلاعات، شناخت و اطلاعات کودکان و نوجوانان در رابطه با بدن خود و مسائل مربوط به جنسیت‌شان بیشتر و صحیح‌تر باشد، رفتارهای جنسی آگاهانه‌تری از خود بروز می‌دهند. باید این نکته را در نظر گرفت که بچه‌ها در هر صورت به کنجکاوی خود از طریق دوستانشان، رسانه‌ها، نشریات و ... پاسخ می‌دهند، که این نوع رفع کنجکاوی و کسب اطلاع از این مجاری می‌تواند به شدت آسیب‌زا باشد و حتی اطلاعات غلط، ناکافی یا بیش از نیاز در سن مشخص به کودک و نوجوان ارائه کند. به همین دلیل بهتر است که والدین و اعضای مؤثر خانواده برای اطمینان از آموزش سالم، صحیح و مناسب با سن آنان، خود وظیفه‌ی آگاهی دهنده‌ی اصلی را به عهده بگیرند.

با دقت در موارد فوق در میابیم در صورت تربیت جنسی ماحصل آن، آثار مثبت در ایجاد ارتباط صمیمی و دوستانه و حس اعتماد بین فرزندان و والدین و همچنین شناخت حریم خصوصی و توانایی تفکیک مفاهیم خصوصی و سیری در کودک می‌باشد.

در بخش دوم به آزارهای جنسی که در اماکن عمومی و توسط افراد ناشناس صورت می‌گیرد می‌پردازیم. یک نمونه از این تجارت را که توسط قربانیان برای مان ارسال شده باهم می‌خوانیم:

#### مورد شماره ۱

یه بار ترم اول بود که توی مترو کرج روی صندلی روبروم مرد مسنی نشسته بود و از اول به من زل زده بود. یه کم که گذشت دستش رو برد توی جیبش و شروع کرد حرکت دادن و اشاراتی می‌کرد بهم. هنوزم با یاداوریش حالم خراب می‌شه، اون روز فقط تونستم با اخم و تنفر بهش نگاه کنم. انگار بدنم خشک شده بود و نمی‌تونستم حرکت کنم و حرف بزنم. بار دوم منتظر بودم که دوستم برسه و سوار مترو شم، رو یه صندلی توی مترو صادقیه نشسته بودم که یه مردی نزدیکم شد و باز حرکات زنده‌ای می‌کرد. مثل همون دفعه قبلی این بار هم نتونستم حرفی



تحمل آن نیستند؛ درنتیجه برای حفظ آبرو (که مهم ترین دلیل سکوت آن هاست) و احساس گناه و مقصراً دانستن خود سکوت می کنند، اما باید در نظر داشت که هیچ کس دوست ندارد مورد خشونت (جنسي، روحی، جسمی، کلامی) قرار بگیرد.

۲- ترس از عدم حمایت دوستان و خانواده از دیگر دلایل سکوت زنان در مقابل آزارهای جنسی است.

در محیط های کاری به دلیل تنگناهای اقتصادي و ترس از دست دادن شغل، زنان در مقابل آزارهای جنسی سکوت می کنند. (به دلیل مشکلات اقتصادي ممکن است زنان از روی اجبار و ناخواسته به روابط خاصی در محیط کار تن دهند).

۴- ناگاهی زنان درباره حقوق خود و بی اطلاعی از دستورالعمل های موجود، سکوت قانون گذار در برابر آزار جنسی و کمبود قوانین حمایت کننده از قربانی، تردید درباره نتیجه بخش بودن شکایت و مجازات مجرم و دشوار بودن اثبات ادعا از دیگر دلایل سکوت زنان است.

#### مطلوبه برای حمایت از زنان

بيان مورد خشونت قرار گرفتن از سوی زنان در جامعه و فرهنگ ايراني نوعی تابو است و تا زمانی که اين تابو وجود دارد و با فقدان قوانين حمایت کننده و راه های قانوني مواجه هستيم، آزار جنسی به عنوان يك مسئله اجتماعي مطرح نمی شود و به دنبال اين موضوع مطالبه اى از سوی زنان شکل نمی گيرد.

تا زمانی که زنان پس از شکایت، از مورد خشونت قرار گرفتن و نادیده گرفتن حقوق انساني شان مورد سرزنش و مذمت قرار گيرند، نمی توان انتظار داشت با قانون گذاري در مدتى كوتاه اين مشكلات حل شود؛ چراكه مقدمه اى اين قانون گذاري پاسخ به نياز بستر سازی فرهنگي در جامعه و آموزش هاي در رابطه با حقوق و حقوق شهروندی و حد و حدود افراد در جامعه است.

حرفی بزنم و فقط اون مكان رو ترک كردم از خودم بيزارم به خاطر اين که نتونستم بزنم تو صورتشون و داد بزنم که چقدر بي شعورم. به خودم قول دادم که اگه دوباره چنين اتفاقی بيافته با تمام قدرتم از خودم دفاع كنم، اما اميدوارم ديگه اتفاق نيافته، آزار دهنده تر از اونه که بتونم تحمل كنم.

مورد فوق تنها قسمتی از تجارب عموم زنانی است که در جامعه مازندگی می کنند. زنانی که به ظاهر در آرامش و امنیت زندگی روزمره شان را می گذرانند، اما وقتی پاي صحبت هایشان می نشینیم تجربه های تلخی از حضور در اجتماع داشته اند و نکته های حائز اهمیت اینکه آنان این امر را از بدیهیات زندگی در جامعه می دانند و آنقدر حقوقشان نادیده گرفته شده که گمان می کنند تنهای خودشان باید در برابر این گونه آزارها از خود محافظت کنند و هيچکدام آنها به ارگان رسمي و حق و حقوق شهروندی و انسانی که از آنها در برابر این آسیب ها حمایت کنند اشاره نکرددند.

#### علل سکوت زنان

۱- وجود فضا هاي که فرد آزار دیده خود را مقصراً بداند و از اينکه مورد آزار جنسی قرار گرفته احساس گناه کند. نگرشی که رسانه های عمومی ترویج می کنند مبنی بر اين که رفتار و نوع پوشش زن در بیشتر موارد سبب تجربه چنين آزارهایی است و اگر زنان نخواهند، این گونه آزارها رخ نمی دهند، همچنین کارشناسان جامعه، غالباً زن را متهمن می کنند که خود مقصراً و عامل رفتار ضداخلاقي است، درنتیجه وقتی فضای جامعه به گونه اى باشد که زنان را مسبب اصلی وقوع آزارهای جنسی بدانند، زنان با بر ملا کردن این گونه آزارهای جنسی و اخلاقی، مورد فشار مضاعف از سوی جامعه قرار می گيرند که تحمل آن بسیار دشوار است و اکثراً قادر به

با زنان خانواده‌ی خودشان نیز احساس امنیت ندارند و این مسئله سبب می‌شود زنان خانواده را در فعالیتهای اجتماعی محدود کنند.

نتیجه این که تربیت جنسی کودکان امری ضروری است و همچنین نیاز است به مردان آموزش داده شود که خانمها هم به عنوان یک عضو از اجتماع حق آرامش و امنیت دارند و این آزارها (سخن یا نگاه نابهنجار) آثار بسیار مخربی بر زنان می‌گذارد که البته به صورت یک چرخه بر خانواده‌ی خودشان هم اثر می‌گذارد. زنان نیز باید از حق و حقوق اجتماعی‌شان آگاه شوند و در مقابل این گونه آزارها سکوت نکنند، خانواده‌ها این آزارها را به صورت آسیب اجتماعی قلمداد کنند و تعرض شونده را مقصود ندانند، بلکه از او حمایت کنند.

باید قوانین مناسب وضع شود و بدون هرگونه مماشات با تعرض کنندگان خیابانی برخورد شود. البته منظور این نیست که دستگاه قضایی با قضایی شبه نظامی جامعه را کنترل کند، بلکه



مقصود آن است اولاً با تربیت جنسی، آموزش‌های لازم به مردان و زنان و فرهنگ‌سازی، تعرض شوندگان را مجاب کنند که شکایت از این مسئله به معنای از بین رفتن آبروی فردی و اجتماعی‌شان نیست و دوم اینکه ضابطان قضایی نیز برای اطمینان به شاکیان از احقة حقوق معنوی‌شان، اقدامی سریع و قاطع در صدور حکم لازم را داشته باشند تا پس از این کمتر شاهد چنین اعمالی در جامعه باشیم.

به اعتقاد مشاورین خانواده بزرگ‌ترین پیامد این آزارها برای زن‌ها احساس نامنی و سرکوب اجتماعی است و در جامعه‌ی کنونی ما کافیست زن باشد و با هر نوع پوششی از منزل بیرون روید تا با انواع تعرض‌ها روبرو شوید. این تعرض‌ها ممکن است به اشکال مختلفی بروز کنند؛ مانند رفتار، گفتار، یا حتی نگاهی نا بهنجار. هرکدام از این‌ها منجر به نقض حریم خصوصی زنی می‌شود که مورد تعرض قرار می‌گیرد. به دنبال این رخداد و حس نامنی اجتماعی که گریبان‌گیر زن می‌شود، زن احساس می‌کند دفاع لازم را در برابر این تعرضات ندارد. نتیجه این

امر، احساس ناکامی و عدم اعتماد به نفس در زن است و این حجم از خشونت تحمیل شده به زن به این دلیل که زن نتوانسته در غالب کنش اجتماعی به آن پاسخ دهد تبدیل به نفرت می‌شود و

همین طور زمانی که عضوی از جامعه احساس نامنی کند، اعتماد او نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد و در روابط خود به ویژه با مردان بدین می‌شود. باید این نکته را نیز در نظر داشت که زنان به واسطه‌ی تغییرات هورمونی ماهانه و تفاوت‌های فیزیولوژیک بین زن و مرد تاثیرپذیری هیجانی بیشتری نسبت به مردان دارند و در جامعه جنسیتی ایران نیز که مفهوم زن و مرد تفکیک و جداسازی شده این موضوع تشدید پیدا می‌کند. از جهت دیگر وقتی مردان شاهد چنین تعرض‌هایی در جامعه نسبت به زنان هستند، در رابطه



مکالمہ

دیده نمیشوند و صرفاً عده ای آسیب میینند،  
بیان کرد: این مبحث در سه حوزه مورد بحث  
واقع میشود که مورد اول محیط جغرافیایی  
است و محیط های جغرافیایی افرادی که  
موردن تجاوز واقع میشوند (کودکان) با محیط  
اجتماعی سایر افراد آسیب ندیده مقایسه  
میشود . بعضاً در حاشیه شهرها که پدر  
ومادرها در خارج از منزل هستند ، زمینه را  
برای تهاجمات فرهنگی باز تر میکند.

وی اضافه کرد: در مورد دوم ساختار خانوادگی  
والدین مورد بررسی قرار میگیرد که والدین  
نیز باید استاندارهای لازم در تربیت فرزندان را  
داشته باشند و همچنین یک محیط در  
خانواده ایجاد کنند.

این کارشناس حقوق و جزا و جرم‌شناسی خاطرنشان کرد: در پرونده ای یک پسرخاله و دخترخاله 6 و 5 ساله که در منزل مادربزرگ خود ساکن بودند، به علت وجود دایی این بچه ها در منزل و دیدن فیلم های مستهجن از طریق ماهواره، باعث بلوغ فکری زودرس در حوزه جنسی در این کودکان شده بود که با وجود

در مورد سوم نیز اختلالات ژنتیکی و شخصیتی  
اینکه از نظر جسمی رشد نکرده بودند

گروه نسبت به وی انجام میشود، فرد ممکن است راه فراری نداشته باشد و مجبور است به خواسته های گروه تن بدهد.

این کارشناس ارشد حقوق بین الملل در پاسخ به این سوال خبرنگار که چرا در اکثریت پسرهای قربانی تمایل به پنهان کردن از ازاهای جنسی بیشتر است؟ عنوان کرد: این مقوله به

وجود بحث غیرت و غرور در مردها، بیان این آزارها را سخت تر میکند. همچنین به علت آسیب های بلند مدت در دخترها در مباحث بکار رفته و سایر مشکلات ایجاد شده که در ازدواج تاثیر گذار است. در بزرگسالی دخترها این موضوعات مطرح میشود اما در پسرها تاثیر و آسیب بلند مدت نمی گذارد و آزارها معمولاً بیان نمیشود.

به روشناده داد: صرف نظر از اینکه به طور  
کلی در بحث آزارهای جنسی و این نوع  
جرائم مبحثی وجود دارد که در جرم‌شناسی  
به آن "رقم سیاه جرم" می‌گویند و نیز شامل  
جرائم‌هایی است که رخ میدهند اما در آمار  
ها آورده نمی‌شود و این قبیل آزارهای رخ  
داد توسط آقایان جز این دسته از آمارها  
قدار می‌گذارد.

در ادامه دکتر سعید گوهري کارشناس حقوق و جزا و جرم‌شناس حقوق و جزا و جرم‌شناسي، در خصوص علت اينکه برخى از کودکان بzech

علت تمایل پسرهای قربانی در پنهان کردن آزارهای جنسی "همچنین به علت آسیب های بلند مدت در دخترها در مباحث بکارت و سایر مشکلات ایجاد شده که در ازدواج تاثیر گذار است. در بزرگسالی دخترها این موضوعات مطرح میشود اما در پسرها تاثیر و آسیب بلند مدت نمی گذارد و آزارها معمولاً بیان نمیشود.

علی به روش در گفت و گو با خبرنگار  
نشریه ظن در خصوص علت ارتکاب  
جرائم آزارگران جنسی ، اظهار کرد:  
بسیاری از افرادی که مرتکب جرم های  
جنسی میشوند به گذشته و دوران  
کودکی افراد برمیگردد و برگرفته از  
خاطرات کودکیشان می باشد، همچنین  
بعضا فردی که مرتکب چنین جرمی  
شده است ممکن است اسیب های  
روحی دیده باشد و یا دچار جنون  
باشد.

وی افزود: نیاز جنسی نیز می تواند در  
وقوع آزار ها تاثیر گذار باشد اما  
حضور در یکی از گروه های آزارگر و  
متجاوز گر فرد را منجر به این میکند  
که ناخواسته وارد یک سیکل شود و به  
علت تهدید هایی که توسط اعضای این



# فرد خاموش

زهرا سالاری  
دانشگاه خوارزمی



بی مقدمه می خواهم درباره یک جنایت، یک قتل و یک شکنجه بگویم. فکر نمی کنم آنقدر مهم باشد که خودم هم یک ظلم دیده یا مقتول باشم، اما فریاد زدن حس هایی که مثل مخدو، من و دیگر قربانیان را فرا گرفته و لحظه به لحظه نابود می کند، از همه چیز مهمنتر و حیاتی تر است.

این جنایت در هر نوعی وحشتناک و کشنده است، مخصوصاً اگر قربانی در سینین کودکی باشد و هنوز به درکی از این مقولات نرسیده باشد. هنوز هم فکر نمی کنم مهم باشد که در حال تایپ کردن دست و بدنش می لرزد، اما برای من فریاد زدن این احساسات غم انگیز مهم است.

شیرین کودکی، خشم و رنج از جامعه و سنت‌های مردسالار که به عذاب‌آورترین شکل ممکن قربانیان را دعوت به سکوت می‌کند و به جای حمایت و درمان، مورد هجوم قضاوت‌ها و سرزنش‌ها قرار می‌گیرند زیرا فرهنگ ما می‌گوید حتی در خشونت علیه زنان نیز، زنان خود مقصراً هستند و همین اتهام‌ها دلیلی بر سکوت در برابر تجاوزات جنسی است و حتی بعضاً در جامعه، شکستن این سکوت ممکن است آسیب‌های بعدی را برای قربانی در پی داشته باشد.

این جامعه و سنت‌های زن ستیزش باعث می‌شوند فرد مورد تجاوز واقع شده به علت ترس از قضاوت‌ها و سرزنش‌ها و نابودی شرم و حیا(!) به پنهان کردن این موضوع پردازد، که جز افزایش بیماری‌های روحی و روانی و سایر عواقب آن هیچ ثمره‌ای برای قربانی ندارد. با وجود اینکه دین و مذهب، هیچ تابوی در مقابل این مسائل ندارند، برخی از این سنت‌ها هستند که از دوره‌های پیشین در خانواده‌ها شکل گرفته و بعضی از این سنت‌های خشن موجب شده از مجازات مجرمان به علت ترس از آبرو

و حرفهای ممنوعه نگفته که گفتنشان یعنی رسوایی خانوادگی و قطع رابطه با اقوام.

این اولین مرحله فاجعه بود و شکایت هم که فکرش را نکنید... امکان این که هیچ وقت این زخم رفع نشود هست، اما اگر سنت و جامعه این شهامت و این حق را به دخترها می‌داد تا این حس‌های لعنتی و این افکار و کابوس‌های عذاب‌آور را فریاد بزنند و حق خود را بگیرند، دیگر هیچ وقت من مجبور نبودم چهره‌ی منفورشان را دائم جلو چشم‌ام ببینم و دیگر هیچ وقت مجبور نبودم به خانه‌ی آن قاتل، به مهمانی بروم و به آن اتاق‌های لعنتی رفت و آمد داشته باشم. الان هم فکر نمی‌کنم مهم باشد که صورتم از اشک خیس و دستانم سرددند و می‌گرن به من هجوم آورده است... برای من فریاد این جنایت مهم است و بالاخره روزی فریاد می‌زنم، فریاد...

متن بالا توسط فردی ناشناس به نشریه ارسال شده است. متنی که شامل تمام فریادها و دغدغه‌ها و شکنجه‌های روحی و روانی قربانیان تجاوز است. متنی سراسر درد و خشم. درد از سکوت و تحمل این جنایت، درد از ویران شدن رویاهای

بگذارید روش‌تر از این رفتارهای وحشیانه بگویم: یک دختر بچه حدود ۴ ساله، بازیگوش و پر از حرف و ناز دخترانه، کودکی که هیچ همبازی ندارد و ظهر و عصر در حیاط آپارتمان، سوار بر تاب دست ساز پدر، کودکی را شکوفا می‌کند؛ اما در همان هیاهوی سکوت کسی برای بازی های جدید صدایش می‌زند... اما... امان! امان از اتاق جهنمی خانه‌ی بدون ساکن نزدیکانت! امان از اتاق انباری زیر زمین! هیچ وقت به این اندازه از صدای خنده متنفر نبودم. زمانی که در آن اتاق‌ها می‌ایستادم و کودکی ام بر سرم آوار می‌شد و من بهتر زده با چهره‌ای که معصومیت را از دست رفته می‌دانست، به دنیای چرک‌آلود رو به رویم نگاه می‌کردم و در ذهنم سوال‌هایی جولان می‌دادند: «چرا به من می‌خند؟!» تا این که طولی نکشید و خود به افتضاح قضیه پی بردم و تنها خودم بودم که تصمیم به نجات گرفتم و در زمان حمله، مادر را فریاد می‌زدم، پدر را فریاد می‌زدم... به خیال آخر کابوس بود، اما این شروع بود وقتی که پدر و مادر در پاسخ، «جانم» می‌گفتند و من می‌ماندم

شماست، پس سعی کنید تا حد ممکن بدون قضاوت و هر زمان که او دوست دارد شنونده باشد و از وی جزئیات را بخواهید و به او اجازه بدھید کنترل صحبت کردن درباره چیزی که اتفاق افتاده است را به دست بگیرد، در زمان مناسب او همه چیز را به شما خواهد گفت. قربانی را باور کنید و مراقب احساس راحتی جسمی او باشید، زیرا ممکن است این اتفاق احساسش را درباره تماس دیگران با او تغییر داده باشد.

خودشرمساری یک واکنش معمول در میان بازمانده‌های تجاوز است، اهمیتی ندارد که چه چیزی به او گفته شده است یا جامعه چه فکری می‌کند، او سبب این اتفاق نبوده است. اگر قربانی گفت: «باید با آنها تنها می‌شدم.» بگویید که تو به ان آدم اعتماد کردی و این اعتماد است که خدشه‌دار شده. اگر گفت: «باید خیلی مست می‌شدم.» بگویید که نوشیدن یا حتی مست بودن به این معنا نیست که کسی می‌تواند از تو سوءاستفاده کند. در طول دوره بهبودی کنارش بایستید و هرچقدر که او می‌خواهد بر روی اتفاق، کنترل و تمرکز داشته باشد.

در همه مراحل کمک، از سلامتی خودتان غافل نشوید. شنیدن وقوع یک تجاوز می‌تواند واقعاً افسرده

اضطرابی، افسردگی، اختلال استرس پس از ضربه عاطفی (PTSD) و مشکلات ارتباطی و هیجانی و عاطفی می‌شوند و همچنین نوع تجاوز در بروز این علائم تاثیرگذار است. اما نکته مهم در چگونگی برخورد با قربانیان و نحوه حمایت و کمک به آن هاست که ممکن است، کمک کردن به یک قربانی تجاوز شدیداً سخت به نظر برسد. همچنین این که جامعه با صحبت کردن در مورد تجاوز و آزارهای جنسی راحت نیست، اما این کمک کردن از مرحله جسمی شروع و سپس از جنبه روحی پروسه بهبودیشان ادامه می‌یابد. از جمله اقدامات اولیه تشویق فرد قربانی به مراجعه به پرشک جهت معاینه و جلوگیری از بیماری‌های مقاربتی و... و مراجعه به یک روانشناس خبره است. همچنین از او بخواهید این اتفاق را با خانواده در میان بگذارد و سپس برای طرح این مسئله به اداره پلیس مراجعه کند؛ که همین اقدام کاملاً به فرهنگ و نگرش‌های فردی و خانوادگی قربانی بستگی دارد. متاسفانه شرم زدگی و ترس از متهم شدن قربانی و این که قربانی ممکن است بیشتر از متجاوز مورد تحقیر و آزار قرار بگیرد، این اقدام را با موانعی رو به رو می‌سازد. سپس از فرد قربانی حمایت‌های زبانی و احساسی کنید و به وی اطمینان بدھید که کنارش هستید و از او حمایت می‌کنید. اگر قربانی با شما درباره این اتفاق صحبت کرده نشان از شجاعت و اعتماد وی به صرف نظر شود. و متاسفانه در فرهنگ ما با فقر اطلاعات در این باره رو به رو هستیم و شکل پرداخت جامعه به این مسئله بسیار مبتذل و ریاکارانه است و ترجیح می‌دهند صورت مسئله را پاک کنند. فرهنگ اعتراض به خشونت و دادخواهی باید در جامعه ما در لابه‌لای دروس دانش آموزان گنجانده شود، تا همه افراد خشونت دیده بتوانند بدون هراس از محکومیت خویش و بدون آن که عوارض آن به معضلی همگانی تبدیل شود، به مداوا و ترمیم جراحت خود بپردازد. همچنین جامعه مدنی باید جنبش‌هایی را برای دفاع و حمایت از قربانیان تشکیل دهد و بدون پرده‌پوشی درباره این جنایات سخن بگوید، زیرا قرن هاست دین ما درباره این جنایات به روشنی و بدون هیچ گونه پرده‌پوشی صحبت می‌کند و مجازات‌ها و راه حل‌هایی را ارائه داده است. بنابراین جز سنت‌های قبیله‌ای و محلی و فرهنگ ضعیف که از ابتدا دشمن اسلام بوده اند و هنوز هم هستند، هیچ مانعی وجود ندارد. عمولاً قربانیان تجاوزهای جنسی دچار علائم شدید اختلال‌های

و حمایت‌گری خود را حفظ کنید.  
به امید رهایی تمامی قربانیان  
تجاوز از آسیب‌های روحی، روانی و  
جسمی و حمایت‌های همه جانبه  
جامعه از آن‌ها و پایان یافتن این  
جنایت‌ها.

بازسازی حس امنیت، کنترل و  
ارزشمند دانستن خودش،  
احتیاج دارد بدھید و اگر تجاوز  
در سال‌های قبل اتفاق افتاده  
بدانید که ممکن است هنوز  
جنبه‌هایی وجود داشته باشد  
که قربانی در حال کنار آمدن  
با آن‌هاست، پس صبوری کنید

افسرده‌کننده باشد و بودن در  
کنار قربانی در طول دوران  
بهبودی می‌تواند بر روی شما  
تأثیر بگذارد. همچنین بیرون  
آمدن از یک تجربه آسیب‌زا،  
زمان‌بر است و می‌تواند تا  
چندین سال طول بکشد. به او  
فاصله زمانی را که برای

آدمین محمدی‌اصل  
دانشگاه‌ازومیه



باز هم در آرامش. یکی در همان نقطه که ویدا موحد ایستاده بود،  
دیگری در میدان فردوسی، دیگری حد فاصل این دو، چهارراه ولی‌عصر.  
امتداد یک اعتراض نمادین، آرام و مسالمت‌آمیز مدنی به نقض حق  
انتخاب آزادانه پوشش زنان از سوی حاکمیت و اجبار نوع خاصی از  
پوشش به آن‌ها. بررسی کوتاه ماهیت نمادین این سه کنش شاید خالی  
از لطف نباشد. یکم: همه از پارچه‌ای استفاده کرده‌اند که  
کاربردش تا لحظه وقوع کنش، پوشاندن موی  
سر بوده است؛ بارزترین نماد پوشش  
اجباری. سه نفر از پارچه سفید  
رنگ که از منظری نمادین  
همواره پیام صلح و آرامش  
با خود داشته. آن‌ها ابزار و  
نماد اجبار خشن را بازتعیریف  
کرده، ان را به ابزار و نماد  
اعتراض مدنی و مسالمت‌آمیز بدل  
کرده‌اند. دوم: همه آن‌ها در مهم

ترین خیابان تهران، انقلاب، اقدام به این  
کنش کرده‌اند. خیابانی که از منظر تاریخی شاهد

مدتی پیش در خیابان انقلاب واقعه‌ای رخ داد که خبرش با  
سرعت در فضای مجازی دست به دست شد و آوازه آن در  
تمام کشور پیچید. زنی در سکوت و آرامش کامل، روسربی  
سفید خود را به چوبی آویخته بود و چوب در دست، بر  
بلندایی ایستاده بود تا باد لابه‌لای گیسوانش بپیچد. نه  
کسی این فرد را می‌شناخت، نه کسی برای چنین کنشی  
فراخوانی داده بود؛ حتا تا روزها بعد از این

واقه، پیامد این کنش در هاله‌ای  
از ابهام بود و کاربران فضای  
مجازی که حالا این فرد را  
با عنوان «دختر خیابان  
انقلاب» خطاب میکردند  
نگران و پیگیر سرزنشی  
او بودند. در نهایت خبر  
رسید او که نامش ویدا  
موحد بوده است، ابتدا دستگیر  
شده و اکنون آزاد است. سه فرد دیگر

دست به کنش مشابهی زده‌اند. هر سه فرد باز هم  
ناشناس، باز هم بر بلند، باز هم چوبی با روسربی در دست،

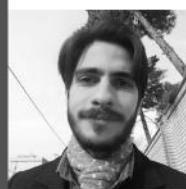
آن که اعتراضشان بیشتر دیده شود به چنین تفاوت ارتفاعی نیاز بوده اما در این اعتراض (که دست کمی از یک پروفورمنس آرت تاثیرگذار ندارد) سه نفر بر بلندای مخاطره‌انگیزی ایستاده‌اند: جعبه تقسیم برق. اختلال کوچکی در این سازه‌ها، می‌تواند برق را به کل بدنه فلزی منتقل کند و لمس این سازه در چنین شرایطی، می‌تواند عاقب جبران ناپذیری در پی داشته باشد. چرا آن‌جا؟ شاید به این دلیل که با این انتخاب، آن‌ها در صددند بگویند فشار این اجبار و تحديد آزادی آنان را به جایگاهی رسانده که برای اعتراض به آن - در حالی که اعتراض فی‌نفسه امری خطرناک و مخاطره‌آمیز برآورد می‌شود - از تضاعف خطر باکی ندارند و آن را به جان می‌خرند. دختران خیابان انقلاب، بر بلندای مخاطره‌آمیز اعتراض و بر بلندای استضعف آن مخاطرات ایستاده‌اند؛ جایگاه آن‌ها بر بلندای کنش‌گری، از تمام ما رفعی‌تر است.

آن‌ها قابل احترام‌اند به این دلیل که اعتراضی آرام و مساملت‌آمیز را به شیوه‌ای نوین، رسا و کوبنده به منصه ظهور رسانده‌اند. دختران خیابان انقلاب اهمیت دارند زیرا اعتراضی که هر ثانیه در جامعه زمزمه می‌شود را با گامی به جلو، وارد فضای رسمی کردند. آن‌ها قابل توجه‌اند زیرا با برداشتن روسربی‌های خود در میانه‌ی خیابان، نشان دادند نپوشاندن موی سر، آسمان را به زمین نخواهد آورد.

جهت و جهات دیگر از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. انتخابی دقیق که بازتاب کنش آن ها را چند برابر کرده و بر اهمیت آن می‌افزاید. آن‌ها در خیابانی ایستاده‌اند که تمام اقشار جامعه از آن می‌گذرند. عدم واکنش قهرآمیز مردم خود نشان واضحی است از آن که این کنش مقبولیت عام دارد و اینان که دست به اعتراض زده‌اند نه اقلیتی کم‌شمار، که نماینده خیل عظیمی از اقشار متکثر جامعه‌اند.

سوم: آرامش و سکوت آن‌ها امر مهمی است. آن‌ها خواسته مشخصی دارند، برای بیان و رسیدن به آن فریاد می‌زنند ولی لب نمی‌گشایند؛ فریاد حرکت وار آن‌ها چنان بلند و رasant که همگان از آن آگاهی می‌یابند. آن‌ها به دور از هرگونه هیاهو دست به این کنش اعتراضی زده‌اند و از این رهگذر نشان داده‌اند به دنبال جنجال نیستند و تنها خواستار استحقاق حقوق حقه‌ی نیمی از جامعه که خود نیز بخشی از آن هستند، زنان، می‌باشند. آن‌چه رفت ارزش مضاعف این اعتراضات نوین را نشان می‌دهد. دختران خیابان انقلاب ستایش برانگیزاند از آن رو که پس از سال‌ها نقض حق، دست به اعتراض زده‌اند، اعتراضی که برخاسته از بطن جامعه است.

دختران خیابان انقلاب بر بلندای ایستاده‌اند؛ البته



# سقوط جنین یا ورزشگاه: مساله این است؟

تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ در چنین شرایطی زن آماج هیچ‌گونه خشونتی قرار نگرفته چرا که اراده وی در مساله دخیل بوده است.

در حالت دوم زن علی‌رغم تمايل به ادامه روند بارداری و حفظ جنین تا مرحله تولد توسط دیگران (همسر، والدین خود یا والدین همسر و...) مجبور می‌شود دست به سقط جنین بزند. در چنین شرایطی زن به واسطه نادیده گرفته شدن خواسته‌اش و اجراء در به فعلیت رساندن یک عمل، مورد خشونت روانی قرار گرفته و مضاف بر آن تحمل رنج فیزیکی سقط در چنین شرایطی نمونه‌ای از تحمل خشونت جسمی محسوب می‌شود.

باید توجه داشت سقط جنین در حالت اول، یعنی با خواست و اراده فرد باردار، هرچند فی‌نفسه خشونت نیست اما می‌تواند نشان از خشونتی پیش‌تر اعمال شده داشته باشد. برای مثال سقط جنین در پی بارداری اجباری نشان از اعمال خشونت جنسی در گذشته دارد؛ خشونتی که در پی آن بارداری ناخواسته اجباری و سپس سقط جنین ارادی صورت پذیرفته است. ترس از آبرو در جامعه و سرزنش‌های اجتماعی نیز عامل دیگری است که می‌تواند به سقط جنین ارادی منجر شود، اما خود از خشونت روانی از سوی جامعه علیه مادران مجرد حکایت دارد.

هم‌چنین روح‌افزا و دیگر افرادی که پرسش‌هایی از این دست مطرح می‌کنند باید به چند نکته توجه داشته باشند. نخست آن که محدودیت حضور زنان در ورزشگاه، سقط جنین اجباری، حجاب اجباری، شانس نایابر در یافتن شغل و دهها و صدها مشکل دیگر هر یک به نوبه‌ی خود شر محسوب

حالی ۲۵ نوامبر، روز جهانی منع خشونت علیه زنان، اخبار را مروز می‌کردم و با نقل قولی از خانم روح‌افزا مواجه شدم که می‌پرسید: روزی ۱۰۰۰ سقط جنین خشونت علیه زنان است یا عدم حضور آنان در ورزشگاه‌ها؟

اگر به همین سرراستی و سادگی با موضوع مواجه شویم، پاسخ دو کلمه است: «هر دو» اما مسئله پیچیده‌تر از این‌هاست.

عدم حضور زنان در ورزشگاه در مقام اول یک «محدودیت» است. محدودیتی دستوری که حتی عاملان آن در ارائه دفاعی مستدل هرچند با دلایل ضعیف برای حمایت از این تصمیم، ناتوان‌اند. در واقع عدم حضور زنان در ورزشگاه نوعی تبعیض در بهره مندی برابر از منابع اجتماعی محسوب می‌شود؛ این محدودیت اما تبعاتی دارد و یکی از مهم‌ترین آن تبعات اعمال خشونت «روانی» علیه جامعه زنان است. هنگامی که زنان متقاضی حضور در ورزشگاه و هواداری، این اجازه را نمی‌یابند، نه از منظر جسمی و جنسی بلکه از منظر ذهنی مورد آزار و هدف خشونت قرار می‌گیرند.

سقط جنین امری پیچیده‌تر است. زنان باردار به دلایل فراوانی ممکن است جنین خود را سقط کنند. در این‌جا به دو نمونه می‌پردازیم. در حالت اول یک زن با خواست و اراده خود دست به سقط جنین می‌زند (دلیل این اقدام در اصل مسئله و این مهم که سقط جنین به خواست خود فرد باردار انجام شده،

نوبه خود با شدت و حدت متفاوت وارد ساختار حقوقی و قضایی هر کشور نیز شده است.

تلاش برای آگاهی بخشی به آحاد جامعه از یک سو و جلب نظر سیاستمداران و سیاستگذاران در راستای اعمال اقدامات مقتضی در جهت منع خشونت و پایان یافتن تبعیض‌های حقوقی-اجتماعی علیه زنان (و نیز کودکان و مردان) وظیفه‌ی مدنی شهروندان هر جامعه توسعه‌طلب است. فروگذاشتن وظیفه، فی‌نفسه رذیلت اخلاقی است و هر فرد که با نادیده گرفتن مشکلات این چنینی در راستای بهبود وضعیت تلاش نکند، خود در تبعات منفی این مشکلات که در آینده رخ می‌دهند مشارکت جسته است.

به امید روزی که خشونت از جامعه رخت بسته باشد.

می‌شوند و وظیفه اخلاقی آن است که برای نابودی تمام شر تلاش کنیم نه آن‌که با الیت دادن شری به شر دیگر و مهمتر پنداشتن آن، دیگری را فروگذاریم، وجودش را موجه پنداریم و در راستای مرتفع‌سازی آن تلاش نکنیم.

نکته دوم این است که خشونت علیه زنان محدود به بیست و پنج نوامبر دوهزار و هفده یا نیمه‌ی اول قرن بیست و یکم نیست؛ نام‌گذاری یک روز در تقویم جهانی به عنوان «منع خشونت علیه زنان» به معنای تاکید بر اهمیت این موضوع و معطوف ساختن توجه جامعه جهانی به این سو است. خشونت علیه زنان در تمام نمودهای جسمی، جنسی و روانی ریشه در تاریخ مذکور طولانی مدت و ساختار مرسدسالار طلب فرهنگ جوامع مختلف دارد، که به

# جنگ چهره زنانه ندارد!



هفته‌ها ما تا زیر گلو تو آب فرو می‌رفتیم. یه بیسیم چی زن با ما بود. اخیرا زایمان کرده بود، کودک گرسنه بود. شیر می‌خواست، اما مادرش خودش هم گرسنه بود، شیر نبود و نوزاد گریه می‌کرد. دشمن نزدیک بود... با سگ‌ها... اگه سگ‌ها صدایی می‌شنیدن هممون می‌مردیم... گروه‌مون حدود ۳۰ نفر بود. می‌فهمید؟! بالاخره تصمیم گرفتیم... هیچ‌کس جرات نکرد دستور فرمانده رو منتقل کنه، اما مادر خودش قضیه رو حدس زد، قنداق نوزاد رو تو آب فرو برد و مدت زیادی همون جا نگه داشت... نوزاد دیگه گریه نمی‌کرد، هیچ صدایی نمی‌اوید... ما نمی‌تونستیم سرمونو بالا بگیریم، نه می‌تونستیم تو چشمای مادر

جنگ جهانی دوم سال (۱۹۴۵-۱۹۳۹) نبرد استالین گراد سال (۱۹۴۲-۱۹۴۳) یکی از طولانی‌ترین و مهلك‌ترین جنگ‌های تاریخ بشر حضور روسیه در گروه متفقین و یورش آلمان به جبهه شرقی و جنوب روسیه «یکی ما رو لو داد... آلمان‌ها فهمیدن که کمین پارتیزان‌ها کجاست. جنگل‌ها و راههای ورودی به اون رو از همه طرف زیر نظر گرفتن. ما بین بیشه‌های وحشی قایم شده بودیم. باتلاق‌ها ما رو نجات می‌دادن، دشمن وارد باتلاق نمی‌شد، گیر می‌کرد و زمین‌گیر می‌شد. باتلاق، هم ماشین‌آلات هم نیروها را قوت می‌داد. چند روز، حتی گاهی اوقات هفته‌ها

نگاه کنیم نه چشمای همدیگه...».

اما می‌خواهم بگویم این مادران فقط پشت جبهه‌ها دست به دعا نیستند. دستان این زنان بیکار نیست. در دستان آنان تنگ هست، بی‌سیم و آتش و دارو و... هست.

بسیاری از این زنان پابه‌پای مردان، چه بسا استوارتر می‌جنگند، تکاوری می‌کنند و برای هم سنگران و همزمان خود، پاره تنشان را فدا می‌کنند و حتی سرودهای آزادی از جنس «ذکور» می‌خوانند،

چه کسی متوجه حضور آنان شد؟

دخترانی که داوطلبانه در صف سربازان می‌ایستند، تنگ‌هایی در دست می‌گیرند که از جثه ظریف آنان بزرگ‌تر است. همین که اعزام می‌شوند، موهایشان می‌شود یک کاکل رنگی بر سرšان و لباس‌های خشن مردانه و... باعث می‌شود کم کم روحیه و احساسات زنانه در آن‌ها رنگ می‌بازد.

جنگ دست نوازش بر سر کسی ندارد، اما برای زنان بی‌رحم‌تر است؛ زیرا علی رغم تمامی مشقت‌هایی که مردان متحمل می‌شوند، اعم از آسیب‌های جسمی و روحی، اما مردان مردتر می‌شوند، در حالی

که آسیب‌ها بر سر زنانگی زنان وارد می‌شود.

تصور کنید که هر روز در اتاق شخص دیگری از خواب برخیزید. همه چیز گنج و ناشناخته و وهم‌انگیز است. چه برسد زمانی که هر روز در کالبدی ناشناخته زندگی کنیم.

«زنی در کالبد یک مرد» و تمامی مقایص را به اجبار این تعارض به دوش می‌کشد. فرمانده نیروی هوایی که ماهها پریود نمی‌شود و این را در گرو رسوخ روحیه مردانه در خود می‌بیند.

زنان در زوایای پنهان جنگ‌اند. به ناتورالیسم‌های سطی خودساخته عادت کرده‌ایم و حتی تقدس‌گرایی ها هم آناتومی مردانه دارد.

در تمامی جنگ‌های تاریخ بشر شاهد قهرمانی‌ها و افسانه‌های دلاوری انسان‌های مختلف بوده‌ایم. به گونه‌ای که هر کشوری که جنگ را لمس نمود دارای قصه‌هایی از قهرمانانش است. داستان‌هایی که مردمان آن دیار را متاثر خود می‌کند. قهرمانانی که وارثان آن به اجداد خود فخر نموده‌اند و دیگر مردمان در اندیشه‌های آرمانی خود، آنان را آزاده‌ترین و وارسته‌ترین می‌پندارند.

نمی‌خواهم زشتی بی‌انتهای جنگ را با بازی کلمات و قهرمانانش سرپوش نهم، اما می‌خواهم بدانم این قهرمانان چه کسانی بودند؟ این ابرانسان‌ها از چه جنسی بودند؟ «مردان»

مردان چگونه در جنگ قهرمان شدند؟ عزمشان راسخ شد، لباس نظامی بر تن کرده و اسلحه بر دوش نهاده و در میدان‌های جنگ به دفاع از وطن پرداختند و تن‌های خود را سپر سرزمین کرده و گاهاتکه پاره می‌شوند و سوگ‌نامه‌هایی برای نسل ما بر جای گذاشتند. البته همیشه به این اندازه معصومانه نیست.

اما «جنس ضعیف» کجا نقش دارد؟

آیا در ذهن ما بیشترین نقش زنان در جبهه نیست؟ مادرانی که پسران جوان خود را بدرقه می‌کنند، اشک می‌ریزند و برای بازگشت پسران جوان خود دست به دعا می‌شوند.

«برای عبور از خط بازرسی آلمانی‌ها، مادر، فرزندش را نمکان‌دود می‌کند، تا تب کند و سربازان از تیفووس بهراسند و او بتواند در قنداق بچه گریان با پوست ملتهب و سرخ شده، برای پارتیزان‌ها دارو ببرد.»

نمی‌خواهم غمنامه‌ای حزین بر کاغذ بنشانم و خواننده را گیج کنم. نمی‌توان با چند داستان نقش مردان را کمنگ کرد و نقش زنان را تا آن‌جا که دروغین است پرنگ نمود، نه!

# ماه پری، قصه‌ای که آخرش خوش است!

## المیرا دادمهر

وابستگی‌هایش جدا کند و از او زن دلخواهش را بسازد.

ماه پری می‌گوید همان لحظه که پا به داخل اتوبوس گذاشتیم همه چیز برایم تمام شد؛ چون می‌دانستم زندگی جدیدم دوامی نخواهد داشت و با مردی که همه می‌گفتند بنگی است قصه شیرینی نخواهم داشت.... و همین طور هم شد. گل محمد بعد از چهار سال من و سه فرزندم را رها کرد و برای گرفتن زنی دیگر برای همیشه به کشورش بازگشت.

می‌گوید در طول زندگی مشترکم با این مرد کم عذاب نکشیدم و شب و روزهایی را پشت سر گذاشتیم که از خدا چیزی به جز مرگ نمی‌خواستیم. زندگی در اتاق ۲۰ متری و معطل ماندن برای یک لقمه نان شب یک طرف و خماری‌های همیشگی گل محمد هم طرف دیگر. گل محمد کار نمی‌کرد، دستِ بزن داشت و روزگار را به کام من و سه پسری که در دامنم گذاشته بود، سیاه کرده بود. برای اینکه بتوانم خرج فرزندان قد و نیم قدم را بدhem به هر کاری دست زدم از کار در خانه‌های مردم گرفته تا شستشوی قبر ولی همیشه خرجمان از دخلمان بیشتر بود. تازه برای اینکه بتوانم جلوی دهان شوهر معتمادم را بگیرم هم بگیرم هم مجبور بودم نصف بیشتر پولی که در می‌آوردم را به او بدhem

نزدیک ۱۴ سال از ازدواج «ماه پری» با گل محمد می‌گذرد. می‌گوید هنوز ۱۳ سالش تمام نشده بود که نامادری برای کم کردن یک نان خور اضافی و خلاصی از شر بچه‌های قد و نیم پدرش، به زور کتک و گیس‌کشی او را به عقد مردی افغان که قد پدرش سن داشت، درآورده بود.

ماه پری با ازدواج با این مرد با تمام رویاهای کودکی اش خدا حافظی کرده بود و بی‌هوا و بدون هیچ آمادگی‌ای وارد دنیایی شده بود که هیچ از آن نمی‌دانست. ماه پری داستان ما درست زمانی که باید لذت عروسک‌بازی و درس خواندن را می‌چشید، قدم به دنیاپی گذاشته بود که از لوس‌بازی‌های گاه و بیگانه خانه پدری، پچ‌پچ‌های شبانه با خواهر کوچولو، تلاش برای درس خواندن و دکتر شدن در روستای آبا و اجدادیشان در دل سیستان محروم و چغلی‌های دل خنک‌کن از نامادری خبری نبود.

گل محمد درست چند روز بعد از عقد، ساک و بار و بندیل مختصرشان را جمع کرده و بدون توجه به گریه‌های تازه عروسش، دو بلیط به مقصد کرج گرفته بود تا عروس جوانش را از همه

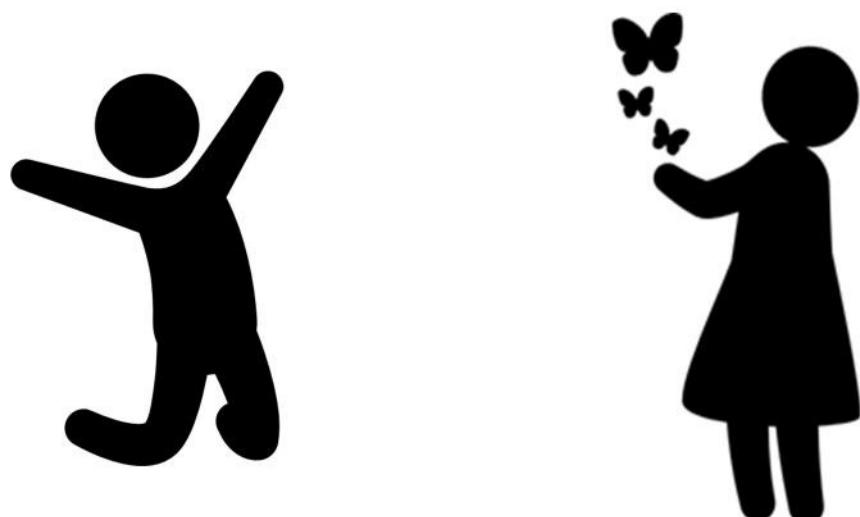




تا مواد بخرد و باد دود کردن آن برای چند ساعت هم که شده  
دست از سرمان بردارد.

ماه پری می‌گوید زمانی به قدری در تنگنا بودم که به سرم زده  
بود پسرکوچکم را بفروشم و با پولی که گیرم می‌آید دست دو  
فرزنده دیگرم را بگیرم و گم و گور شوم ولی همان موقع بود که  
خدا نگاهی کرد و شر گل محمد را برای همیشه از زندگیمان کم  
کرد. می‌گوید بعد از آن زمان هم کم سختی نکشیده‌ام ولی باز  
خدا را شکر می‌کنم که بالای سر بچه‌هایم هستم و درست آنها  
را تربیت می‌کنم. حالا پسرانم بزرگ شده‌اند و هم درس می  
خوانند و هم کار می‌کنند. بعد از این همه سال سختی در  
زیرزمینی اجاره‌ای. با بخور و نمیری روزگار می‌گذرانیم.

ماه پری داستان ما می‌گوید هر چند من در زندگی روی  
خوشبختی ندیده‌ام و به هیچ یک از آن همه آرزویی که در سر  
داشتمن نرسیدم ولی حالا همه امیدها و آرزوهایم را در فرزندانم می  
بینم و با چنگ و دندان تلاش می‌کنم مثل کوه در مقابل سختی  
ها بایستم تا قصه زندگی فرزندانم شیرین و شنیدنی شود....



# زناد در ذهن جین آستین

شهربانو دلاور

دانشگاه خوارزمی



در دوره‌ی نویسنده اگر پدر یک خانواده انگلیسی که چند دختر مجرد هم داشت فوت می‌کرد و ثروت خانواده به دختران به ارت نمی‌رسید بلکه به فامیل درجه یک پدری مانند عمو یا پسر عمو داده می‌شد و دختران باید قبل از فوت پدر برای حفظ ثروت و موقعیت اجتماعی خانواده، با مردی ثروتمند ازدواج کنند در غیر این صورت بعد از فوت پدر علاوه بر این که ثروت و موقعیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند، دیگر شانسی برای ازدواج با مردان ثروتمند را هم ندارند.

داشتن استعداد در زمینه‌ی موسیقی و طراحی و نقاشی برای دختران داستان، یک امتیاز محسوب می‌شد و همین مسئله باعث می‌شد که آن‌ها شانس بیشتری را نسبت به دختران دیگر، برای ازدواج مردان ثروتمند داشته باشند.

در داستان‌های او عشق همراه با ثروت به وجود می‌آید؛ چرا که دختران تنها عاشق مردان ثروتمند می‌شوند.

مردانی که با شخصیت اصلی داستان ازدواج می‌کنند از همه لحاظ (اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و شخصیتی) برتر از او هستند.

البته در داستان‌ها، جین آستین به محدودیت‌ها و تبعیض‌هایی که زنان با آن درگیر هستند هم اشاره می‌کند.

با وجود اینکه جین آستین در عمر ۴۲ ساله‌ی خود هیچ وقت ازدواج نکرد، اما سعادت و خوشبختی قهرمان‌های داستانش را در ازدواج می‌دانست. شاید یکی از علتهای محبوبیت داستان های او در میان مردم، همین مسئله باشد.



جین آستین نویسنده‌ی انگلیسی قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی است. شناخت او از زندگی زنان و مهارت‌ش در گوش و کنایه‌ها، او را به یکی از مشهورترین رمان‌نویسان عصر خود تبدیل کرده است. به گونه‌ای که ریچارد ویتلی چهره‌ی دانشگاهی و دانشمند الهیات در سال ۱۸۲۱ او را با شکسپیر مقایسه می‌کند و معتقد است که آستین در محبوبیت جا پای شکسپیر گذاشته است.

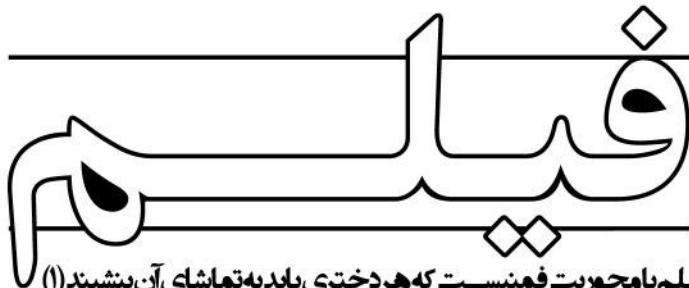
همچنین او نخستین نویسنده‌ی زنی است که از سال ۲۰ میلادی تصویر چهره‌اش بر روی اسکناس‌های ده پوندی انگلیس چاپ خواهد شد.

شخصیت‌های اصلی داستان‌های او، دخترانی پاک و ساده‌دل از طبقه‌ی متوسط جامعه که به همراه خانواده و چندین خانواده دیگر در منطقه‌ی روستایی انگلیس زندگی می‌کنند و زندگی آرام و یکنواختی را می‌گذرانند که در همین زمان با ورود یک فرد جدید به روستا زندگی آن‌ها دستخوش تغییر می‌شود، چرا که این فرد یک مرد مجرد ثروتمند است که برای گذراندن تعطیلات به روستای آن‌ها آمده است. قصه از جایی جالب می‌شود که خانواده‌ای که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی نسبت به خانواده‌های دیگر آن روستا بالاتر هستند و دختر مجرد دارند برای جلب کردن مرد ثروتمند قصه دست به برگزاری مهمانی‌های بزرگ می‌زنند، تا شاید در همین مهمانی‌ها مرد مجرد عاشق دختر آن‌ها شود و با او ازدواج کند.



# امیرآل علی

## دانشگاه خوارزمی



۱۳- فیلم با محوریت فمنیست که هر دختری باید به تماشای آن بشیند (۱)

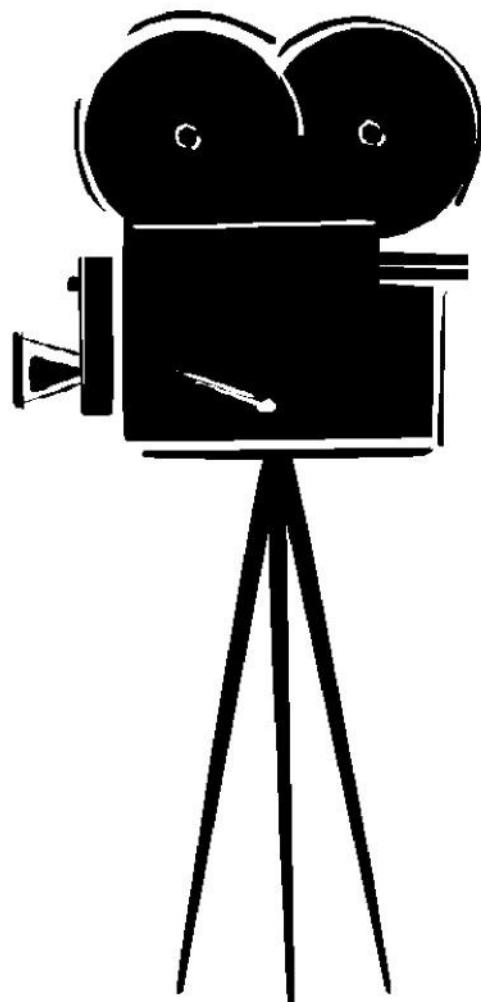


### ۱- مکس دیوانه: جاده خشم (۲۰۱۵)

چهارمین قسمت از سری فیلم‌های مکس دیوانه با حضور بازیگران مطرحی همچون تام هاردی و چارلیز ترون، توانست تا نگاه‌های زیادی را متوجه خود سازد. علت این امر که این فیلم را در صدر فهرست خود قرار داده ایم به این خاطر است که رویکرد فیلم به نحوی است که نقش زنان در آن کاملاً پررنگ بوده و صورتی قهرمانانه به خود گرفته است. این فیلم از حالت تک قهرمانانه خارج شده و زنانی را به تصویر می‌کشد که در راستای رسیدن به هدف خود از یکدیگر محافظت می‌کنند. نکته قابل توجه دیگر این فیلم، در برابری زن‌های به تصویر کشیده و عدم وجود شخصیت منفی در بین آن‌ها می‌باشد. میزان موفقیت و تاثیرگذاری این فیلم به قدری بالا بوده است که پیش‌بینی می‌شود که قسمت‌های بعدی نیز رگه‌هایی از فمنیست را در خود داشته باشد.

### ۲- مثل بکام کاتدار بزن (۲۰۰۲)

بدون توجه به این امر که شما طرفدار فوتbal هستید یا خیر، این فیلم به علت تلاشهای یک دختر برای مبارزه با تفکر سنتی خانواده خود مبنی بر عدم اجازه به دختران برای بازی فوتbal، جذابیت بالایی را برای هر دختری خواهد داشت. درواقع این فیلم در تلاش است تا دختران را مجاب نماید که در زندگی خود باید برای هر آن چیزی که می‌خواهند تلاش کرده، تفاوت‌های خود با سایرین را ارج نهاده و موانع را کنار بگذارند.



### ۳- حلیه (۱۹۹۶)

در خلاصه این فیلم آمده است که، یک دانش‌آموز تازه‌وارد به یک مدرسه کاتولیک، با سه دختر نوجوان رانده شده آشنا می‌شود که تمرین جادوگری می‌کنند و طولی نمی‌کشد که آن‌ها جادو و نفرین‌های گوناگونی را روی افرادی که دل خوشی از آنان ندارند، پیاده می‌کنند. درواقع این فیلم از آن جهت حائز اهمیت است که دختران را توانمند و غیرقابل نادیده گرفتن به نمایش درمی‌آورد.



همواره تاریخ سینما از وجود انیمیشن هایی با محوریت دختران خالی بوده است. با این حال مولان را می توان یک نمونه موفق در به تصویر کشیدن قدرت جنس مونث جامعه تلقی کرد. موضوع انیمیشن مذکور در رابطه با دختری است که به علت حمله مغولان به کشورش (چین) و حمایت از پدر سال خورده خود، مجبور به مخفی کردن جنسیت خود برای شرکت در جبهه های نبرد میشود، با این حال وی در آخر باعث نجات کشور خود شده و موفق می شود تا به واسطه این موفقیت، نگاه مردانه را نسبت به خود را تغییر دهد.

#### ۵- رنگ بنفس (۱۹۸۵)

بدون تردید فیلمی که کارگردان آن استیون اسپیلبرگ باشد، از اهمیت وافری برخوردار خواهد بود. این فیلم به خوبی مشکلات زنان آفریقایی تبار آمریکا را نشان داده است که نتیجه آن نامزدی دریافت ۱۱ جایزه اسکار بوده است. در طول این فیلم شخصیت زن اصلی داستان در معرض انواع مشکلات نظیر فقر و تبعیضات جنسی قرار می گیرد، که نحوه مقابله با هریک از آن ها و جلو رفتن داستان فضایی جالب توجه را ایجاد کرده است. جدای از فیلم نامه که اقتباسی از رمان مشهوری با همین نام میباشد، وجود کارگردان مطرحی همچون اسپیلبرگ در کنار بازیگرانی همچون اوپرا ویفری و ووپی گلدربرگ بدون تردید نتیجه کار را به اثری شاخص تبدیل کرده است. در واقع این فیلم به علت آنکه همبستگی زنان در زمانهای دشوار را رمز پیروزی میداند، حاوی نکات ارزشمندی برای هر دختری خواهد بود.



## ۶-بلوند قانونی (۲۰۰۱)

موضوع فیلم در رابطه با نگاه تحقیرآمیز نسبت به دختران است که نمی‌توانند در رشته حقوق دانشگاه هاروارد فارغ‌التحصیل شوند. درواقع این داستان، فردی را به تصویر می‌کشد که به علت عدم اعتقاد به این امر که دختر دلخواهش می‌تواند شرط خانواده خود مبنی بر ازدواج با دختری وکیل را انجام دهد و فارغ‌التحصیل رشته حقوق شود، قبل از ورود به دانشگاه هاروارد نامزدی خود را برهم می‌زند. با این حال دختر داستان به جای قبول شکست در تلاش برای اثبات اشتباه نامزد سابق خود گام برداشته و در نهایت در کمال ناباوری به اولین دختر فارغ‌التحصیل رشته حقوق در دانشگاه هاروارد تبدیل می‌شود. جالب است بدانید که میزان تاثیرگذاری این فیلم در بین دختران جامعه آمریکا به قدری بالا بوده است که سال بعد از نمایش این فیلم، میزان تقاضاها برای این رشته از جانب دختران افزایش چشم‌گیری پیدا کرد.





زن، زن زاده نمی‌شود؛ به صورت زن در می‌آید. هیچ سرنوشت زیستی، روانی و اقتصادی، سینمایی را که ماده انسانی در دل جامعه به خود می‌گیرد، تعریف نمی‌کند. مجموعه تمدن است که این محصول حد فاصل نر و اخته را که مؤنث خوانده می‌شود، تولید می‌کند.

سیمون دوبوار، جنس دوم، جلد دوم

- میتوانید انتشارات، پیشگاری و طلب خود را زینه ها  
- میتوانید انتشارات، پیشگاری و طلب خود را زینه ها  
- جایگاه و کرامت و اقتدار در جامعه و بررسی حقوق مسلم زنان در قانون  
- اسر، قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی  
- جنین ها اجتماعی زنان در دوره های مختلف برای دست اوران حقوق  
- واقع خود  
- نیاز به سفر و مسافر  
- نقصان در تکمیم خانه و خانواده  
- نقصان در ارائه هدف منتهی  
- تکه ایزد از زن و زن از ایزد در جامع  
- نیز و کسب های اجتماعی  
- جهاب اجباری افتخار  
- مصور زنان در جایگاه های سایر (در زبان و چشم)  
و... برای ارسال نهادند.



ارتباط با ما :



magazine\_zzan



@magazinezzan





برو سه "خشونت های خانگی"  
را در شماره بعد دنبال کنید.